عضویت نه !

پس از کناره‌گیری از دبیرستان کمال، با اینکه محمدعلی ساعت‌های بسیاری را در دبیرستان‌های مختلف تدریس می‌کرد، اما فعالیت‌های مؤثری را معطوف به بنیاد رفاه داشت. او علنی آموزش می‌داد، کار فرهنگی می‌کرد، به خانواده زندانیان سیاسی می‌رسید و مخفیانه با نیروهای مبارز سیاسی در ارتباط بود. کانون‌های هیئت‌های مؤتلفه هم راه فعالیتشان از این مجرا می‌گذشت. رجایی و باهنر را دیگر کسی سوا از هم نمی‌دید. سال ۴۹ شده بود، کمک‌های مالی خانواده‌های متدین مثل روحانیت، بازاری‌ها و فرهنگی‌ها به حدی رسیده بود که گردانندگان مؤسسه تصمیم به تأسیس مدرسه دخترانه‌ای به‌نام رفاه کردند. مدرسه‌ای که آینده سیاسی آقای امیدوار یا محمدعلی رجایی را رقم زد!

* * *

عضویت نه!

محمدعلی پرسید:

«بهتر نیست از خیابون بالایی بریم؟»

مرد لبه شال گردنش را تا بینی بالا کشید و گفت:

«نــه! از کوچه بریم بهتره! مأمورا جرأت نمی‌کنن توی کوچه‌ها گشــت بزنن، می‌ترسن غافلگیرشون کنیم.»

از عرض خیابان رد شــدند و زدند به کوچه، برف کمتر شــده بود، محمدعلی دستی به موهایش کشید، برف روی موها را تکاند.

- حالا که تشکیلات لو رفته، چی کار می‌کنین؟

مرد دست‌هایش را در جیب پالتویش تپاند و زیر لب گفت:

«فعلاً یه جایی پنهون می‌شــیم تا بعد. فقط اگه شــما رابط ما و خانم بازرگان بشین خیلی کمکمون می‌کنین.»

اســمش محمد بود، محمد حنیف‌نژاد، دوستی محمدعلی و محمد از انجمن اسلامی دانشکده شروع شده بود و از سر اتفاق همسر محمد مدیر مدرسه رفاه بود.

محمدعلــی جلو رفت، درخت ته کوچه زیر برف ایســتاده بــود و انگار انتظار می‌کشید و محمد دست‌هایش را مقابل دهانش‌ها کرد و گفت:

«خوب می‌شد اگه عضو تشکیلات می‌شدی.»

عضویت محمدعلی دو فایده بزرگ برای ســازمان مجاهدین داشت، اول اینکه محمدعلی از نهضتی‌های قدیم بود و قدیمی‌ها را می‌شناخت و به راحتی می‌توانست با آنها رابطه برقرار کند و دوم اینکه او با خانواده‌های زندانی‌ها به‌طور طبیعی رابطه داشت و می‌توانست اخبار و اطلاعات را ردوبدل کند. اما چرا محمدعلی احتیاط می‌کرد؟

- عضویت نه! ما هنوز توی مبانی اختلاف داریم! اما تا زمانی که در راه اسلام قدم بردارین، کمک می‌کنم...

محمدعلی یقه پالتویش را بالا داد، باد هنوز ریزه‌های برف می‌آورد، وارد خیابان ایران که شد، ماشینی سیاهرنگ مقابلش ایستاد، شیشه‌هایش دودی نبود، البته فرقی هم نمی‌کرد، محمد خیلی وقت بود که رفته بود.

غریبه

غریبه گفت:

«آقا امکان داره اون صفحه روزنامه‌تون رو ببینم؟»

محمدعلی ســرش را بالا آورد. مرد روی صندلی کنار دســتش جا به جا شد و حرفش را تکرار کرد:

«اگه امکان داره می‌خوام نگاهی به صفحه ورزشی بندازم.»

محمدعلی روزنامه را تا زد و با لبخند روزنامه را به دست مرد داد، مرد روزنامه را باز کرد، مقابل صورتش گرفت و آهسته گفت:

«بــدون اینکه به من نگاه کنین، خوب به حرفــام گوش بدین، پوران بازرگان فرار کرده! می‌شه این صفحه رو داشته باشم، من مجبورم این ایستگاه پیاده شم.»

و دو جمله آخر را بلند گفت طوری که همه بشنوند.

«ممنون آقا!.»

محمدعلی برگشت به سمت صدا:

«قابلی نداره.»

صدای ترمز اتوبوس که آمد مرد بلند شد، روزنامه را تا کرد و زیر بغل زد.

محمدعلــی نگاهش را از پنجره بیرون داد و همان طور ماند تا اتوبوس دوباره به راه افتاد.

* * *

آفتاب رفته بود روی بام، محمدعلی مقابل اتاق ایستاد؛ اتاق دبیران.

نگاهی به اطراف کرد، مطمئن شد که در نگاه هیچ کس نیست، راه افتاد. مدرسه خلوت بود، محمدعلی دستگیره کمد را کشید، کمد قفل بود، نگاهی به اطراف کرد، جعبه را گذاشــت روی زمین و پیچ‌گوشــتی را انداخت زیر قفل، قفل تقه‌ای کرد، دستگیره را به سمت خودش کشید، قفل باز نشد.

- آقای رجایی!

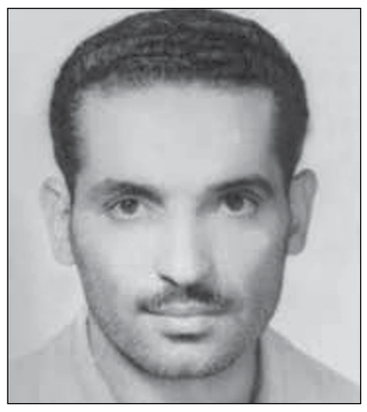

*** عضویت محمدعلی دو فایده بزرگ برای سازمان مجاهدین داشت، اول اینکه محمدعلی از نهضتی‌های قدیم بود و قدیمی‌ها را می‌شناخت و به راحتی می‌توانست با آنها رابطه برقرار کند و دوم اینکه او با خانواده‌های زندانی‌ها به‌طور طبیعی رابطه داشت و می‌توانست اخبار و اطلاعات را ردوبدل کند. اما چرا محمدعلی احتیاط می‌کرد؟**

صــدای فــراش بــود، از حیاط می‌آمد، برگشت به سمت پنجره، لای پنجره را باز کرد.

- بله؟ من اینجام! کاری داشتید؟

مرد دست‌های استخوانی‌اش را بالا آورد گفت:

«می‌خواســتم یه ســاعتی برم بیرون از مدرســه، شما هستید تا من برگردم؟»

محمدعلی سر تکان داد:

«برو پــدر جان، مــن اینجام تا شما برگردی.»

و همان جا ایستاد، فراش شیلنگ آب را رها کرد وسط حیاط و برگشت به طرف شیر آب، شیر را بست.

- پس من می‌رم، زود برمی‌گردم.

فراش رفت به طرف در، محمدعلی ماند و رفتنش را تماشا کرد، در مدرسه بسته شد، محمدعلی نفس عمیقی کشید، پنجره را بست و برگشت رو به کمد، پیچ‌گوشتی را انداخت زیر قفل، قفل تقه‌ای کرد، دستگیره را کشید، کمد باز شد، دست انداخت و کتاب‌ها و بعد ورقه‌ها را دسته‌دسته بیرون کشید و گذاشت توی جعبه.

بعد کمد را بست و جعبه را بغل زد، روی کمد نوشته شده بود:

«پوراندخت بازرگان.»

* * *

مسجد پر بود از جمعیت، عاشورا بود.

کاظم پرسید:

«واقعاً می‌خوای این کارو بکنی؟!»

محمدعلی اعلامیه را در دست‌هایش فشرد و گفت:

«چرا که نه؟»

کاظم نگاهی به اطراف انداخت و با نگرانی گفت:

«دوباره قضیه امینی دیگه؟»

- یادته؟ سال ۳۸ بود نه؟ آهای مردم! امینی دزده، یه لجنه! این امینی می‌خواد نخست‌وزیر بشه؟ اینکه... چه الم شنگه‌ای راه افتاد بعدش!

واکنش مشارکت به رد لوایح دوقلو

*** با آشکار شدن شکست اجرای تهدیدات نمایندگان مشارکتی و عدم همراهی دیگر نمایندگان با آنان برای جنجال‌آفرینی برسر ردّ لوایح دوقلو از سوی شورای نگهبان، حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با تهیه نامه توهین‌آمیزی خطاب به مقام معظّم رهبری از ایشان خواستند جام زهر را بنوشند!**

در هفته اوّل آبان ۱۳۸۱ کلیات لایحه تغییر قانون انتخابات مجلس به تصویب مجلس ششــمی‌ها رســید و در ۱۹ آبان ۱۳۸۱ کلیات لایحه تبییــن اختیارات ریاســت‌جمهوری در صحن علنــی مجلس به تصویب نمایندگان دوم خردادی رسید. نمایندگان مشارکتی مجلس ششم آن قدر برای تصویب این لایحه و حذف نظارت اســتصوابی شورای نگهبان - که موجب خوشــحالی گروههای ضد انقلاب[۲۷۷] شــده بود - عجله داشتند که تغییر مادّه ۳ قانون انتخابات مجلس را که در آن نظارت اســتصوابی برعهده شــورای نگهبان نهاده شده بود، بسیار زودتر از پرداختن به سایر بندها انجام دادند.[۲۷۸]

به دنبال حذف نظارت استصوابی، شرط اعتقاد و التزام کاندیداهای مجلس به اسلام و ولایت فقیه حذف و صرف مسلمان بودن و ابراز وفاداری به قانون اساسی در فرم ثبت نام، جایگزین این شروط شد. با پایان تعطیلات نوروزی سال ۱۳۸۲ و شروع به کار دوباره مجلس ششم، شورای نگهبان پس از بحث و بررسی لایحه، این لایحه را در ۳۹ مورد خلاف قانون اساسی و در ۷ مورد خلاف شرع تشخیص داد و آن را رد کرد. اعلام رسمی نظر شــورای نگهبان در مورد لایحه اصــلاح قانون انتخابات مجلس، حملات تند مجلس ششم و رسانه‌های وابسته به حزب مشارکت را درپی داشت.

روزنامه یاس‌نو (ارگان رســمی حزب مشــارکت) لایحه تغییر قانون انتخابات را بزرگ‌ترین چالش کشــور نامید و مدعی شــد: «مملکت دو راه بیشتر در پیش ندارد. یا باید دیدگاههای اعمالی حاکمیت، به سمت پذیرش رأی آزادانه مردم در انتخابات مجلس هفتم پیش برود که لازمه آن لغو نظارت استصوابی است و یا باید نقطه نظرات خاص شورای نگهبان در ارتباط با رد صلاحیت جامه عمل بپوشد.»[۲۷۹]

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۲ شورای نگهبان پس از بررسی لایحه تبیین حدود اختیارات و وظایف ریاست جمهوری در جلسات متعدد، این لایحه را نیز در مواردی با قانون اساســی مغایر تشــخیص داد و این مغایرتها را در ۱۰ بند برای اصلاح به مجلس ششــم ارجاع داد. بازگشت این لایحه توســط شورای نگهبان به مجلس نیز با اعتراض و واکنش شدید اعضای حزب مشارکت روبه‌رو گردید. در این باره برخی تندروها، خاتمی را هم در بازی خود شریک می‌دانستند و در تلاش بودند تا او را نیز به واکنش وادار کنند. به طور مثال عبدالله رمضان‌زاده (سخنگوی جنجالی دولت اصلاحات و عضو حزب مشــارکت) در واکنشی اعلام کرد: «نمی‌دانم رئیس‌جمهور در این‌باره چه عکس‌العملی نشان خواهد داد.»[۲۸۰] تاجزاده (عضو شاخص حزب مشــارکت) ضمن تهدید به خروج از حاکمیت گفت : «اگر این دو لایحه درنهایت تصویب نشــود، بخشــهایی از اصلاح‌طلبان به این نتیجه می‌رســند که با استعفای خود و عدم پذیرش مسئولیت، در شرایطی که قرار نیست آزادی انتخابات و حق شهروندی رعایت شود، صدای اعتراض خود را بلند خواهد کرد».[۲۸۱]

علی‌رغم آن‌که اعضای ارشــد حزب مشــارکت مدعی بودند اکثریت نمایندگان حمایت خود را از گزینه‌های همه‌پرسی و استعفا اعلام کرده‌اند، امّا جلسه‌ای که قرار بود برای بحث درباره این گزینه‌ها از سوی فراکسیون مشارکت برگزار شود، هرگز به رسمیت نرسید.

با آشکار شدن شکست اجرای تهدیدات نمایندگان مشارکتی و عدم همراهی دیگر نمایندگان با آنان برای جنجال‌آفرینی بر سر ردّ لوایح دوقلو از سوی شورای نگهبان، حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با تهیه نامه توهین‌آمیزی خطاب به مقام معظّم رهبری از ایشان خواستند جام زهر را بنوشند!

نخســتین نامه شدیداللحن با مخالفت رئیس‌جمهور وقت مواجه شد و بیش از ۵۰ نماینده حاضر به امضای آن نشدند. نامه دوم هم در اختیار واشنگتن پست قرار گرفته بود و به دلیل محتوای تندش پخش نشد تا نهایتاً نامه سومی با امضای ۱۲۷ نفر از نمایندگان مجلس ششم منتشر گردید.

*** این نامه اگرچه با استقبال بیگانگان و مخالفان نظام مواجه شــد امّــا بــه دلیل طرح جام زهری که رهبری باید بنوشــد سبب انشقاق مــیان دوم خــردادی‌ها گردید. محتشمی‌پور (عضوشورای مرکزی مجمــع روحانیــون مبارز) در این باره گفت: «ملّت ایران نباید فریب نیّت شوم این افراد را بخورد».**

در این نامه اهانت‌آمیز خطاب به مقام معظّم رهبری آمده بود: «با این حال و روز کشــور، فرصت چندانی باقی نمانده است. غالب ملّت ناراضی و ناامید، اکثریت نخبگان ســاکت یا مهاجر، سرمایه‌های مادّی گریزان و نیروهای خارجی از هر طرف کشــور را احاطه کرده‌اند. با این وضع برای آینده کشــور دو حالت بیش متصور نیســت؛ یا دیکتاتوری و استبداد که در خوشــبینانه‌ترین حالت فرجامی جز وابستگی و درنهایت فروپاشی یا اســتحاله ندارد و یا بازگشت به اصول قانون اساسی و تمکین صادقانه به قواعد دموکراتیک».[۲۸۲]

در ادامه این نامه با بیان این‌که مســئولان حاکمیت باید صادقانه از مردم در قبال همه قصورها و ســوء تدبیرها پوزش بخواهند، از معظّم‌له تقاضای عذرخواهی کردند: «اگر جام زهری باید نوشید قبل از آن‌که کیان نظام و مهم تر از آن، اســتقلال و تمامیت ارضی کشــور در مخاطره قرار گیرد باید نوشــیده شود و بی‌تردید این برخورد خردمندانه و متواضعانه، از سوی ملّت با همان پاداشی مواجه می‌شود که امام عزیز راحل روبه‌رو شد».[۲۸۳] در بخش پایانی این نامه با حمله به شورای نگهبان، قوّه قضائیه و صدا و سیما آمده بود: «شورای نگهبان، قوّه قضائیه، صدا و سیما و همه نهادهایی که ملت نقش مستقیمی در انتخاب مسئولان آنها ندارند، باید واقعاً بیطرفانه رفتار کنند که متأســفانه امروز چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود. امروز شورای نگهبان به عنوان بزرگ‌ترین مانع فرا راه مجلس با توسل به تفسیرهایی عجیب و احتجاجاتی غریب، متأسفانه موجب وهن و بی‌اعتباری شرع و قانون اساسی را فراهم ساخته است».[۲۸۴]

این نامه اگرچه با اســتقبال بیگانگان و مخالفان نظام مواجه شد امّا به دلیل طرح جام زهری که رهبری باید بنوشد سبب انشقاق میان دوم خردادی‌ها گردید.

محتشــمی‌پور (عضو شــورای مرکزی مجمع روحانیــون مبارز) در این‌باره گفت: «ملّت ایران نباید فریب نیّت شــوم این افراد را بخورد».[۲۸۵] مجید انصاری (عضو دیگر شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز) هم طی نطقی اعتراضی اظهار داشــت: «این نمایندگان به این سؤال پاسخ دهند که نامه آنها چرا قبل از آن‌که به دســت رهبر معظّم انقلاب برســد سر از اینترنت و سایتهای آمریکایی درآورد؟»

به دنبال انتشــار این نامه، بیانیه‌ای تهدیدآمیز از سوی ائتلاف حزب مشارکت و ســازمان مجاهدین و عناصر گروههایی از اپوزیسیون داخلی نظیر نهضت آزادی و ملی ـ مذهبی‌ها منتشر گردید. افراطیون در این بیانیه که در روزنامه یاس نو (ارگان رسمی حزب مشارکت) انتشار یافت، تهدید کردند که نامه‌هایی زهرآگین‌تر در صورت تن ندادن به خواسته‌هایشــان خواهند نوشت!

ائتلاف حزب مشــارکت با گروههای اپوزیسیون داخل‌نشین، نشان از آن داشــت کــه آنان با ســرعتی عجیب در راه فاصلــه گرفتن از نظام هستند. با تصویب شورای عالی امنیت ملی به ریاست سید محمد خاتمی (رئیس‌جمهور وقت) تمام روزنامه‌ها از انتشــار نامه ۱۲۷ نماینده و ارائه خبر و تحلیل له یا علیه آن منع شدند، امّا روزنامه نوروز (وابسته به حزب مشــارکت) با درج اطلاعیه شــورای عالی امنیت ملی برخی از بخشهای صفحه اوّل و دوم و سوم‌اش را به صورت سفید چاپ کرد که این مسأله به شدّت مورد اعتراض مشاور امنیتی خاتمی قرار گرفت و وی این اقدام را تمسخر قانون خواند.[۲۸۶]

۲۷۷- رادیــو ضــد انقلابــی آزادی در تاریــخ ۱۲ شــهریور ۱۳۸۱ از حــذف نظــارت اســتصوابی اظهارشــادمانی کــرد و با تأکید بــر با فرض تصویب نهایــی لایحه اصلاح قانون انتخابات‌مجلس، گروهها و ســازمانهای خارج از حاکمیت برای ورود به مجلس بــا محدودیــت روبه‌رو خواهند بــود از تندروهای دوم خردادی برای حل این مشــکل استمداد طلبید.

۲۷۸- همان.

۲۷۹- ویژه‌نامه نوروزی روزنامه ایران، سال ۱۳۸۹.

۲۸۰- همان.

۲۸۱- ویژه‌نامه نوروزی روزنامه ایران، سال ۱۳۸۹.

۲۸۲- نامه ۱۲۷ نماینده مجلس ششم به مقام معظّم رهبری.

۲۸۳- همان.

۲۸۴- همان.

۲۸۵- پشت نقاب سکولارهای اصلاح‌طلب، حسین پدرام چوبین‌دره، ص ۵۶.

۲۸۶- ویژه‌نامه نوروزی روزنامه ایران، سال ۱۳۸۹.

تاریخ دعوت: ۹۲/۵/۱۲

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن میلاد نور ۱۰ محرم شاهرود

به اطلاع کلیه اعضای تعاونی مســکن میلاد نور می رســاند نوبت اول مجمع عمومی سالیانه در مورخه ۱۳۹۲/۶/۲ رأس ساعت ۱۸ در محل تالار میلاد نور با طرح موارد ذیل برگزار می‌گردد.

۱- ارائه گزارش توسط هیئت مدیره و بازرسین از عملکرد تعاونی
۲- بررسی و تصویب ترازهای مالی منتهی به سال ۹۰ و ۹۱
۳- تصمیم‌گیری در خصوص تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۲
۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار اصلی و علی‌البدل
۵- انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای مدت یک سال مالی
۶- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره برای مدت سه سال

در صورت عدم حضور تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر سه رأی و هر شخص غیر عضو تنها یک رأی خواهد بود.

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن میلاد نور ۱۰ محرم

تاریخ دعوت: ۹۲/۵/۱۲

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن میلاد نور ۱۰ محرم شاهرود

به اطلاع کلیه اعضای تعاونی مسکن میلاد نور می رساند مجمع عمومی فوق‌العاده در مورخه ۱۳۹۲/۶/۲ رأس ساعت ۱۷ در محل تالار میلاد نور با طرح مورد ذیل برگزار می‌گردد.

دستور جلسه: طرح و تصویب اساسنامه جدید

در صورت عدم حضور تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر سه رأی و هر شخص غیرعضو تنها یک رأی خواهد بود.

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن میلاد نور ۱۰ محرم

شماره مجوز: ۱۸۶۴۳۳ — نوبت اول: ۹۲/۵/۲ — نوبت دوم: ۹۲/۵/۱۲

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان همدان سهامی خاص

آگهی فراخوان پیمانکار مناقصه ۱۴-۹۲ اجرایی

مناقصه‌گذار: شرکت گاز استان همدان
موضوع مناقصه: عملیات تعمیر و نگهداری تاسیسات گاز شهرستان ملایر (۹۳-۹۲)
شرح مختصر کار:
۱. برآورد اولیه براساس فهرست سال ۹۱ معادل ۸/۹۵۳/۹۵۳/۰۰۰ ریال می‌باشد.
۲. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۳۳/۳۶۲/۰۰۰ ریال می‌باشد.
۳. مدت اجرای پیمان ۷۳۰ روز تقویمی می‌باشد.
۴. ارائه صورتحساب‌های مالی حسابرسی شده الزامی می‌باشد.
شرایط متقاضی: (جهت ارزیابی)
۱- تصویر اساسنامه روزنامه رسمی و آخرین آگهی تغییرات شرکت. ۲- سوابق کاری همراه با تائیدیه‌های لازم. ۳- رتبه‌بندی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۴- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در مناقصه. ۵- ارائه کد اقتصادی- شناسه ملی- کپی کارت ملی و مدارک تحصیلی اعضاء هیئت‌مدیره. ۶- نامه اعلام آمادگی جهت شرکت در مناقصه.
* شرکت گاز استان همدان، پس از بررسی و محاسبه امتیازات شرکت‌هایی که اسناد و مدارک ارزیابی خود را تا مهلت مقرر تحویل داده‌اند، از برگزیدگان جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آورد و ارائه مدارک ارزیابی هیچگونه حقی برای شرکت‌کنندگان در مناقصه ایجاد نکرده و کارفرما در رد و یا قبول آن مختار است.
*** زمان تحویل اسناد جهت پیشنهاد قیمت- تحویل و گشایش پیشنهادات متعاقبا در اسناد مناقصه اعلام خواهد شد.**
مهلت ارائه مدارک: از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز
آدرس: همدان- میدان شیرسنگی ساختمان شرکت گاز استان همدان طبقه اول- اتاق ۲۰۴- امور قراردادها.
* هزینه درج آگهی به عهده پیمانکار برنده خواهد بود.
تلفن: ۴-۸۲۶۰۵۷۱، ۸-۸۲۶۱۰۷۵، فاکس: ۸۲۵۶۲۰۷-۰۸۱۱
آدرس اینترنت: www.nigc-hm.ir , WWW.SHANA.IR

روابط عمومی شرکت گاز استان همدان

آگهی تجدید مناقصه شهرداری کشکوئیه رفسنجان

شــهرداری کشــکوئیه در نظر دارد **تنظیف و جمع‌آوری زباله و فضای سبز** را بمدت یکســال از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شــرایط واگذار نماید لذا از شــرکتهای خدماتی دارای سابقه و تجربه لازم در این زمینه درخواست می‌شود جهت اخذ شرایط مناقصه تا تاریخ ۹۲/۵/۲۸ به شهرداری مراجعه نمایند.
۱- شهرداری در رد یا قبول پیشنهاد مختار است.
۲- هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

حسین عزیزی- شهردار کشکوئیه

اطلاعیه فروش شرکت تولیدی

یک شــرکت تولیدی **در زمینه نســوز واقع در منطقه اصفهان** به فروش می‌رســد، متقاضیان می‌توانند جهت کســب اطلاعــات بیشــتر درخواســت کتبی خــود را به تلفاکس **۶۲۷۹۶۵۳- ۰۳۱۱** اعلام نمایند.

آگهی مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت

طبق پرونده متشکله شــماره-۱۵۶۳- آقای محمدابراهیم صفاری نسبت به قسمتی از پلاک-۱- اصلی بخش ۱۷ قزوین واقع در قریه شمسکلایه انتقالی از آقــای محمدعلی صفاری که از طریق هیئت مــواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت درخواســت رســیدگی نموده کــه متصرفی نامبــرده طبق رأی شماره-۶۵۵۲- مورخ ۷۴/۵/۱۶ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۱۹/۱۱ مترمربع مورد تایید قرار گرفته لذا به استناد بند۶ ماده یک و ماده دو مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد تا کســانی که نســبت به درخواست نامبرده بالا اعتراض دارند از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره یا مراجع قضایی تسلیم وگواهی آن را جهت ضبط در پرونده به این اداره تحویل نمایند در غیر این صورت پس از گذشــت موعد مقرر در آگهی اداره ثبت طبق مقــررات اقدام خواهد کرد در هر حال صدورسند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۲/۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۲/۵/۲۶

ولی خواجوی کلانی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الموت شرقی

دادنامه

پرونده کلاســه ۹۲۰۹۹۸۸۱۱۱۶۰۰۰۲۶ شــعبه چهاردهم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان همدان دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۸۱۱۱۰۰۰۷۰
خواهان:خانم اختر صیفی باری به نشانی همدان خیابان بوعلی کوچه شهید محمدی بن‌بست پرونده مجتمع کوثر پلاک ۷۰ طبقه دوم سمت راست
خواندگان: ۱- خانم زهرا ملکی به نشانی همدان خیابان بوعلی کوچه شهید محمدی بن‌بست پرونده مجتمع کوثر پلاک ۷۰ طبقه دوم سمت راست
۲- خانم طاهره صفاریان همدانی به نشــانی کرج عظیمیه بلوار رســالت بالاتر از میدان اســبی کوچه شهید میرمحمود زنده‌دل (عدلیه) پ ۹۹ واحد ۴
۳- آقای مهشــید ملکی به نشــانی تهران اتوبان نیایش خ سردار جنگل شــمالی خ ۵ تن خ قدس خ زیتون مجتمع گلستان بلوک ۷ واحد ۹
۴- خانم اقدس ملکی
۵- خانم صبورا ملکی همگی به نشانی مجهول‌المکان
۶- آقای تورج ملکی به نشانی در حال حاضر مقیم زندان الوند همدان بند ۳
۷- آقای حمیدرضا ملکی به نشانی تهران شهرک اکباتان فاز ۲ بلوک ۱۰ ورودی ۲ طبقه ۱۱ واحد ۳۵۰
۸- آقای ایرج ملکی به نشانی تهران شهرک اکباتان فاز ۲ بلوک ۷ ورودی ۱ طبقه ۱۱ پلاک ۵۵
خواسته: دستور فروش ملک مشاع
گردشــکار: دادگاه با بررســی محتویات پرونده ختم رســیدگی اعلام و بشــرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

در خصــوص دعوی خانــم اختر صفی یاری فرزند اکبر بــه طرفیت خواندگان آقایان و خانمها ۱- مهشــید ۲- حمیدرضــا ۳- ایرج ۴- تــورج ۵- زهرا همگی ملکی فرزندان عزت‌الله ملکی ۶- طاهره صفاریان همدانی فرزند اصغر (همســر مرحوم داود ملکی فرزند عزت‌الله) ۷- اقدس ملکی ۸- صبــورا ملکی (هر دو دختران مرحوم داود ملکی فرزند عزت‌الله) بخواسته صدور دستور مبنی بر فروش سه دانگ یک باب آپارتمان مشاعی مورثی به شــماره پلاک ثبتی ۱۱ فرعی به انضمام شــش دانگ انباری پلاک ۷ فرعی هر دو مجزا شــده از باقیمانده پلاکهای ۱ و ۲ از ۵۱۷۲ واقع در همدان بخش یک بر اســاس نظریه کارشناســی و پرداخت قیمت آن بقدرالســهم هر کدام از ورثه بعلاوه هزینه و خسارت دادرسی مقوم به ۵۱۰۰۰۰۰۰ ریال، بدین شرح که مرحــوم عــزت‌الله ملکی، مورث متداعیین در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۲۷ وفات نموده و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم خوانــدگان ردیف اول تا پنجم به علاوه مرحوم داود ملکی فرزند دیگر مشــارالیه، که ایشــان نیز متعاقبا در تاریــخ ۱۳۸۸/۵/۱۵ فوت می‌نماید و ورثه حین‌الفوت وی خواندگان ردیف ۶ تا ۸ می‌باشــند که ســه دانگ ملک متنازع فیه از ماترک وی می‌باشــد. دادگاه نظر به مفاد دادخواســت تقدیمی، با توجه به اینکه شــرح ســند مالکیت مصدق شــده پیوست دادخواست به شــماره ثبت ۲۳۸۰۳ صفحه ۳۴۵ دلالت بر مالکیت سه دانگ مرحوم عزت‌الله ملکی دارد (سه دانگ دیگر در مالکیت رسمی خانم زهرا ملکی احد دیگر از خواندگان می‌باشد) و مندرجات گواهی حصر وراثت مربوط به مرحومین عزت‌الله و داودملکی، توجها به استعلام ثبتی و پاسخ شماره ۱۴۱۷۲ مورخه ۹۲/۳/۲۶ اداره ثبت اسناد و املاک همدان، عنایتا به تمکین خواندگان حاضر به تقاضای خواهان مبنی بر صدور دستور فروش رقبه مبحوث عنه و باوصف ابلاغ وقت دادرسی از طریق نشر آگهی موضوع ماده ۷۳ قانون آئین‌دادرسی مدنی در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۳۹۲/۲/۲۳، توجها به گواهی اصداری از مرجع ثبتی به شماره ۱۸۲/د مورخه ۱۳۹۲/۲/۹ باموضوع عدم قابلیت افراز ملک مشاعی معنونه فلذا بشرح توصیفی مانعی برای فروش ملک مورد خواسته متصور نیست، دادگاه با پذیرش درخواست مشــارالیها، مستندا به ماده ۴ قانون فروش املاک مشــاع و مواد ۹-۱۰ از آئین‌نامه قانون مارالاشعار، دستور فروش پلاک ثبتی موضوع خواســته از طریق واحد اجرای احکام مدنی و تقسیم بهاء و ماحصل از فروش آن بقدر الســهم هر یک از افراد ذی‌سهم به نسبت سه دانگ آن، پس از کسر کلیه هزینه‌های مقدماتی و نهایی مرتبط با موضوع از جمله خســارات و هزینه‌های دادرســی و پرداخت آن در حق خواهان با ارائه رســیدهای مربوطه توسط پرداخت‌کننده صادر و اعلام می‌گردد. این دستور قطعی است.

جعفری- دادرس شعبه ۱۴ محاکم عمومی حقوقی همدان

آگهی حصر وراثت

آقــای محمــد شــهرت چیت‌ســازان نــام پــدر رحیم بشناســنامه ۰-۱۷۴-۰۵۶۸۹۹ صادره از اهواز درخواستی بخواسته صدور گواهی حصــر وراثت تقدیــم و توضیح داده که پدرم مرحوم رحیم شــهرت چیت‌سازان بشناســنامه ۱۴۲۴ صادره اهواز در تاریخ ۹۱/۱۲/۲۲ در اهواز اقامتگاه دائمی فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱-محمد چیت‌ســازان فرزند رحیم به شماره شناســنامه ۰-۱۷۴-۰۵۶۸۹۹ صادره از اهواز ۲-فرامرز چیت‌ســازان فرزند رحیم به شماره شناسنامه ۴۱۸ صادره از اهواز ۳-فرشاد چیت‌سازان فرزند رحیم به شماره شناسنامه ۱۲۴۹ صادره از اهواز ۴-احسان چیت‌سازان فرزند رحیم به شماره شناسنامه ۳۱۴ صادره از اهواز (پسران متوفی) ۵-عفت سرفراز فرزند حسن به شماره شناسنامه ۱۷۴۷۰ صادره از خرمشهر (همسر متوفی) و لاغیر ورثه دیگری ندارد.

اینک با انجام تشــریفات قانونی مراتــب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشــد از تاریخ نشــرآگهی ظرف یک ماه بــه دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز ســری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ اهواز
فاخر باوی

آگهی حصر وراثت

آقای رجب شــهرت مثلــی نام پدر صفر بشناســنامه ۲۸۲۴۲ صادره از اهواز درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیــم و توضیح داده که مادرم مرحومه فاطمه شــهرت نادر باغبان بشناسنامه ۲۵۷۸۵ صادره دزفول در تاریخ ۸۸/۸/۸ در اهواز اقامتگاه دائمی خویش فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- رجب مثلی فرزند صفر به ش‌ش ۲۸۲۴۲ صادره از اهواز ۲-قربانعلی مشــلی فرزند صفــر به ش‌ش ۱۹۷ صــادره از اهواز (پســران متوفی) ۳-زری مشــلی فرزند صفر بــه ش‌ش ۱۱۲ صادره از اهواز ۴-شــاهزاده مشعلی فرزند صفر به ش‌ش ۱۸۹ صادره از اهواز ۵-اشرف مثلی فرزند صفر به ش‌ش ۵۸۱۲ صادره از اهواز ۶-مهین مثلی فرزند صفر به ش‌ش ۴ صادره از اهواز (دختران متوفــی) و لاغیر ورثه دیگری ندارد. اینک با انجام تشــریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراضــی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشــد از تاریخ نشــر آگهی ظــرف یک ماه به دادگاه تقدیــم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ اهواز

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۲۶۱۲۳۰۰۲۴۶
شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۲۶۱۲۳۰۰۶۴۱
شماره بایگانی شعبه: ۹۱۰۷۳۱
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۲/۳/۲۱

پرونده کلاســه ۹۱۰۹۹۸۲۶۱۲۳۰۰۶۴۱ شعبه بیست و سه دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان کرج دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۶۱۲۳۰۰۲۴۶
خواهان: آقای محمد دلکش با وکالت آقای بهروز صادقی به نشــانی خیابان ولیعصر- بالاتر از میدان منیریه- کوچه سنائی- پلاک ۱
خوانده: آقای حاج علی رجبی به نشانی مجهول‌المکان
خواسته‌ها:
۱- مطالبه وجه چک
۲- مطالبه خسارت تأخیر تأدیه
۳- مطالبه خسارت
۴- پرداخت حق‌الوکاله
۵- مطالبه